

# طرح برنامه

بیژن هیرمن پور

آذر ۱۳۶۱ (دسامبر ۱۹۸۲)



<https://bijan.hirmanpour.net>

## فهرست مطالب

۴	مقدمه طرح برنامه	۱
۸	طرح برنامه	۲
۱۱	در مورد شرایط کنونی	۳
۱۳	وظایف ما	۴
۱۵	جنبش طبقه کارگر	۵
۱۶	جنبش دهقانی	۶
۱۷	جنبش خلق گُرد	۷

## از انتشارات چریکهای فدائی خلق ایران

به خاطره چریک فدائی خلق رفیق شهید سیما دریایی تقدیم می‌شود.



چریک فدائی خلق رفیق سیما دریایی در سال ۱۳۳۳ در خانواده‌ای متوسط در شهر بابل به دنیا آمد. دوره دبستان و دبیرستان را در این شهر گذراند و هنوز دوره دبیرستان را تمام نکرده بود که جوشش انقلابی ناشی از مبارزه مسلحانه چریکهای فدائی خلق زندگی او را فرا گرفت. شهر بابل با توجه به سابقه و سنت‌های مبارزاتی موجود در آن جا، از جمله شهرهایی بود که از همان آغاز مبارزه مسلحانه در ایران تحت تأثیر آن قرار گرفت و با کشیده شدن بسیاری از جوانان مبارز شهر به طرف سازمان چریکهای فدائی خلق محیط کاملاً مبارزاتی در بین اغلب خانواده‌های این شهر بوجود آمد. رفیق سیما از جمله کسانی بود که در چنین محیطی پرورش یافت و از زندگی و شهادت خونین چریکهای فدائی همچون سپهری‌ها، مفتاحی‌ها، قبادی‌ها، ابراهیمی‌ها و... تأثیر مبارزاتی گرفت. رفیق سیما پس از اتمام دوره دبیرستان به تهران آمد و مدتی در یکی از مدارس پائین شهر به عنوان معلم پیمانی شروع به کار کرد. در این دوره رفیق بیشتر اوقات خود را با شاگردان مدرسه و خانواده‌های آنان می‌گذراند و همواره سعی می‌کرد تا آن جا که مقدور است در جهت حل مشکلات این خانواده‌ها و بهبود وضع زندگی‌شان قدم‌های مؤثری بردارد. تماس با این خانواده‌ها او را از نزدیک با فقر و مذلت جامعه طبقاتی هرچه بیشتر آشنا کرد.

در پرتو آگاهی سیاسی، با درک مظلوم اجتماعی هرچه عینی‌تر و ملموس‌تر شعله‌های کینه به دشمن و عشق به خلق در دل رفیق فروزان‌تر می‌شد. محیط مبارزاتی دانشگاه که به خصوص پس از آغاز مبارزه مسلحانه در ایران، همواره مبارزه در آن جریان داشت او را نیز همانند بسیاری از روشنفکران مبارز به طرف خود کشید. او در سال ۵۴ وارد دانشگاه تهران و از آن زمان به بعد فعالانه در مبارزات دانشجویی

شرکت کرد. در جریان اوجگیری مبارزات ضدامپریالیستی خلق در سال‌های ۵۷-۵۶ با تمام قوا به فعالیت مبارزاتی پرداخت.

رفیق سیما با توجه به آگاهی سیاسی والا و روحیه سازش ناپذیرش خیلی زود به ماهیت ضدخلقی رژیم جمهوری اسلامی پی بُرد و با خشم فراوان از سازشکاری‌های فرصت طلبانی که با غضب نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به این سازمان ضربه می‌زدند، با آن مرزبندی کرد. صداقت بیکران او و تعهد انقلابی‌اش نسبت به خلق به او حُکم می‌کرد که خون رفقای شهید فدائی را پاس دارد و او به حق دریافته بود که تنها با ادامه راه شهدا که در تشکیلات چریکهای فدائی خلق متبلور بود، می‌تواند دین خود را نسبت به خلق ستمدیده و مبارز ایران و شهدای فدائی‌اش ادا نماید.

در سال ۵۸ او به آرزوی دیرینه خود که تماس مستقیم با چریکهای فدائی خلق بود، رسید و از آن زمان به بعد فعالیت‌های او شکل کاملاً تشکیلاتی یافت. در وجود رفیق سیما شور و صداقت انقلابی با صفا و صمیمیت او درهم آمیخته بود و او با فداکاری و پشتکار قابل تحسینی در راه تحقق آرمان‌های ولایت مبارزه می‌کرد. کار مبارزاتی رفیق سیما در سازمان در یک هسته انتشاراتی متمرکز بود. در این دوره او با جدیتی که برای انجام وظایف سازمانی‌اش به کار بُرد، نشان داد که تا چه حد از انضباط چریکهای فدائی خلق برخوردار بوده و در هر شرایط، انجام وظایف سازمانی‌اش را اصل می‌شمارد. علیرغم این که رفیق سیما از نظر جسمی وضع خوبی نداشت و همواره از این موضوع رنج می‌بُرد با این حال لحظه‌ای از کوشش مبارزاتی باز نمی‌ایستاد. چه شب‌ها که تا صبح با تلاشی خستگی ناپذیر کار می‌کرد. او همواره با ایمانی خلل ناپذیر به انجام وظایف انقلابی‌اش می‌پرداخت و در تمام مدت به مسئله خودسازی اهمیت می‌داد. شرکت فعال و جدی او در جلسات مطالعه، کوشش برای ارتقاء قابلیت‌های عملی‌اش بیانگر این موضوع بود. در این زمان رفیق توانست با استفاده از امکانات سازمانی دوره آموزش کمک‌های اولیه و دوره بیهوشی را بگذراند.

رفیق سیما در جریان انشعاب بی‌مسمائی که به سازمان تحمیل شد، علیرغم تمام عُلقه‌های عاطفی که با عده‌ای از رفقای منشعب داشت، انشعاب را با تمام وجود محکوم نمود. او به عواقب منفی و مخرب این انشعاب واقف بود و می‌دانست که دیگر شکست کامل خط مشی‌های اپورتونیستی فرا رسیده و زمانی که چریکهای فدائی خلق با افزایش پرچم سرخ مبارزاتی بیش از هر وقت دیگر می‌توانند حقانیت خود را نشان داده و ارتباط خود را با توده‌ها مستحکم‌تر نمایند، بوجود آمده است. از این رو او بخصوص در چنین شرایطی هرگونه ضربه‌ای را به تشکیلات چریکهای فدائی خلق محکوم می‌نمود و خواهان آن بود که همه رفقا با درایت انقلابی و شکیبایی و متانت انقلابی، کاستی‌ها و مشکلات را از سر راه برداشته و در جهت استحکام و وحدت سازمانی قدم بردارند.

قبول انشعاب اگرچه برای وی گران بود ولی وقتی به وقوع پیوست رفیق سیما تنها احساس کرد که بار مسئولیت انقلابی‌اش هرچه بیشتر شده. او می‌گفت باید بار دیگر با ایمانی فزون‌تر، عزمی راسخ‌تر و با تلاشی خستگی ناپذیر و صدها بار هشیارتر نسبت به قبل کار کرد تا بتوان ضربات وارده از این انشعاب را به حداقل رساند. پس از این دوره قرار بود رفیق سیما برای ادامه فعالیت‌های انقلابی‌اش به گُردستان منتقل شود. ولی درست چند روز قبل از حرکت، وی در یکی از خیابان‌های خفقان بار تهران توسط مزدوران رژیم دستگیر شد. مزدوران، رفیق سیما را به زیر شکنجه بُردند و پس از آن که از گرفتن کمترین اطلاعات از او

مأیوس شدند او را در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸ به جوخه‌های اعدام سپردند.  
چریک فدائی خلق رفیق سیما دریائی با آغوش باز مُردن در راه تحقق آرمان‌های انقلابی پرولتاریا را پذیرا شد و با مرگ پُرافتخارش پرچم خونین چریکهای فدائی خلق را رنگین‌تر ساخت.  
او در وصیت نامه کوتاهی برای خانواده‌اش می‌نویسد: «هرآنچه گفتم درست بود و برایش ایستاده‌ام»،  
«ستاره‌ای بودم که خاموش نگشتم».  
باشد که یاد رفیق سیما را با ادامه راه سرخس زنده نگه داریم.

با ایمان به پیروزی راهمان  
چریکهای فدائی خلق ایران  
بهمن ۱۳۶۱

## مقدمه طرح برنامه

جزوه حاضر حاوی طرح برنامه‌ای است که ارائه آن از دیرباز به عنوان یکی از وظایف چریکهای فدائی خلق ایران مطرح بود. اهمیت تدوین چنین برنامه‌ای بخصوص با اوج‌گیری مبارزات توده‌ها در اواخر دوران شاه و شرکت فعال توده‌ها در صحنه مبارزه و تأثیر این شرایط در سازمان‌های انقلابی بیش از پیش آشکار شد و به صورت ضرورتی کاملاً مُبرم درآمد.

بدون داشتن برنامه‌ای که هدف نهائی جنبش را به صورت کاملاً روشن مطرح نماید، بدون داشتن برنامه‌ای که راه و شیوه‌های اساسی رسیدن به هدف را معلوم سازد و بالاخره بدون داشتن برنامه‌ای که منطبق بر تحلیل مشخص از شرایط مشخص وظایف آتی و فوری جنبش را مطرح سازد، نمی‌توان نقش فعالی در پراتیک مبارزاتی توده‌ها ایفا نمود. در جریان مبارزات ضدامپریالیستی اخیر علیرغم موقعیت مساعد جنبش کمونیستی و نفوذ معنوی والائی که کمونیست‌ها به پشتوانه هشت سال مبارزه مسلحانه در جامعه کسب کرده بودند، روشن نبودن هدف‌های مبارزاتی برای اغلب این نیروها و عدم درک وظایف آتی و فوری جنبش برای آنان اثرات مخربی به بار آورد. خمینی که به کمک دارودسته‌اش و به پشتوانه حمایت امپریالیستی امکان و قدرت بسیج توده‌ای را یافته بود، آگاهانه از ارائه هرگونه برنامه‌ای برای جنبش سرباز زد. او مزورانه ارائه هرگونه برنامه‌ای را به بعد از پیروزی که به زعم او بعد از سقوط شاه فرا می‌رسید، احاله می‌کرد و هنگامی که در مقابل خواست و منطق توده‌ها که خود پیروزی انقلاب را در گرو جنگی مسلحانه می‌دیدند قرار می‌گرفت، پاسخش همواره این بود که هنوز وقت جنگ مسلحانه فرا نرسیده است و یا به قول او «هنوز دستور جهاد نداده‌ام». خمینی و دارودسته‌اش برای کنترل مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها و انحراف مسیر آن مشکلات فراوانی پیش‌ساز می‌داشتند. همان طور که قبلاً گفته‌ایم «توده‌ها قبل از این که آن‌ها بگویند به خیابان بریزید، به خیابان ریختند، پیش از این که آن‌ها بگویند، اعتصاب می‌کردند و در حالی که آن‌ها با تلاش مذبح‌خانه مردم را از توّسل به زور برحذر می‌داشتند، مردم بیش از هر چیز به زور متوسل می‌شدند.» همه این‌ها بیان‌گر شرایط بسیار مناسب برای رشد جنبش کمونیستی بود و پیشاهنگ انقلابی به خوبی می‌توانست با ارائه یک برنامه انقلابی و حرکت در جهت تحقق آن، از یک طرف موجب افشای چهره نارهبران جنبش و ایزوله ساختن آنان و از طرف دیگر متقابلاً موجب رشد انقلاب و رادیکالیزه شدن هرچه بیشتر آن گردد. لازم بود برنامه‌ای ارائه شود که منطبق بر آن تحلیل‌ها و ایده‌های انقلابی به درون توده‌ها بُرده شده و آن‌ها را نسبت به اهداف جنبش و منافع واقعی خود واقف سازد. لازم بود برنامه‌ای ارائه شود که وظایف نیروهای مبارز را در رابطه با زمینه‌های مختلف کار انقلابی روشن ساخته و بین وظایف مختلف هماهنگی ایجاد نماید و بالاخره لازم بود در رابطه با پیشبرد شکل اصلی مبارزه و

سازماندهی توده‌ها در جهت این شکل، برنامه‌ای ریخته شود. ولی همان طور که می‌دانیم هیچ یک از وظایف فوق انجام نگرفت. نیروهایی که می‌بایست ارائه دهنده برنامه‌ای برای جنبش باشند در سردرگمی کامل نظری و عملی گرفتار آمده بودند. شرایط جدید، چشم انداز کار انقلابی وسیع‌تری در رابطه با تمام حوزه‌های زندگی مبارزاتی توده‌ها و بخصوص در رابطه با پیشبرد جنبش مسلحانه - که دیگر صرفاً توسط روشنفکران انقلابی پیش نمی‌رفت بلکه با سازماندهی مسلح توده‌ها و به همراه آن می‌بایست انجام گیرد - در مقابل نیروهای انقلابی قرار داده بود که انجام همه این وظایف در گرو داشتن برنامه انقلابی جامعی بود.

واقعیت این است که تئوری مبارزه مسلحانه در جریان رشد خود می‌بایست به صورت یک برنامه ارائه شود و فقدان این مسئله نقصی بود که جنبش مسلحانه سالها از آن رنج برده است. اگر در گذشته تظاهرات انحرافی‌ای نظیر «مبارزه با دیکتاتوری فردی شاه به مثابه عمده‌ترین وظیفه مرحله استراتژیک جنبش» تحت نام تئوری مبارزه مسلحانه ارائه شد و یا اگر کسانی پیدا شدند که به دلیل عدم فهم خود از تئوری مبارزه مسلحانه با عنوان کردن این که تئوری مبارزه مسلحانه به کار سیاسی- تشکیلاتی و اشکال دیگر مبارزاتی بها نمی‌دهند، سعی در وارد کردن تز انحرافی «پیش به سوی کار سیاسی- تشکیلاتی به عنوان پای دوم جنبش مسلحانه» به این تئوری نمودند و مدعی به اصطلاح تکامل آن شدند، همه این‌ها از یک طرف معلول کم کاری در زمینه توضیح تئوریک خط مشی مسلحانه و از طرف دیگر معلول آن بود که تئوری مبارزه مسلحانه به صورت برنامه‌ای که اساس نظرات چریکهای فدائی خلق را در قبال مسائل اساسی جنبش مطرح نموده و در هر مقطع وظایف مشخصی را در انطباق با آن روشن نماید، درنیامده بود. عدم ارائه تئوری مبارزه مسلحانه به صورت برنامه اغلب موجب برداشتهای بسیار سطحی و محدود از این تئوری می‌گردد. همواره کسانی پیدا می‌شوند که برای چریکهای فدائی خلق جز انجام عملیات مسلحانه هیچ وظیفه دیگری قائل نیستند. در گذشته کفاره این معصیت با حاکم شدن نظراتی که در مغایرت اساسی با تئوری مبارزه مسلحانه بوده ولی تحت پوشش آن انجام بعضی از وظایف جنبش را یادآوری می‌نمود، داده شد. در فقدان چنین برنامه‌ای جریان‌ات سیاسی-کار به طور اعم در چند سال اخیر سواستفاده‌های زیادی نمودند. آن‌ها به دلخواه خود هر تفکر کودکانه و نادرستی را به تئوری مبارزه مسلحانه و به معتقدین به این تئوری نسبت دادند و از این طریق موجب فریب بسیاری از نیروهای صادق جنبش کمونیستی و انحراف اذهان آنان شدند.

بنابر ملاحظات فوق، ارائه برنامه حاضر ضرورتی بود که به خصوص تجارب مبارزات سه سال گذشته آن را نشان داد. پیش از این سازمان ما با تحقق بخشیدن به یکی از رهنمودهای رفیق کبیر مسعود احمدزاده که در زندان بارها ضرورت توضیح تئوریک مشی مسلحانه را یادآوری می‌نمود، به یکی از وظایف مهم خویش جامه عمل پوشاند. بسیاری از جزوات و کتاب هائی که در چهارسال گذشته از طرف سازمان ما منتشر شده بخوبی توانسته است به توضیح تئوریک مشی مسلحانه به خصوص در رابطه با مسائل زنده جنبش بپردازد. اکنون ارائه این طرح برنامه گام جدی دیگری است که سازمان ما در جهت انطباق تئوری مبارزه مسلحانه با شرایط کنونی و پیشبرد مبارزات توده‌ها برمی دارد.

در این طرح برنامه، اساس نظرات چریکهای فدائی خلق ایران در مورد مسائل اساسی انقلاب به صورت تزهایی ارائه شده است. ما با این عمل از یک طرف فرصت تحریف نظرات خود را در مقیاس وسیع از

اپورتونیست‌ها می‌گیریم و از طرف دیگر از اشاعه نظرات غلطی که تحت پوشش تئوری مبارزه مسلحانه مطرح می‌شود، جلوگیری می‌مائیم. همچنین در این طرح برنامه تحلیلی مشخص از شرایط واقعی جنبش ارائه شده که وظایف نیروهای انقلابی در قبال جنبش ضدامپریالیستی خلقمان را تعیین می‌نماید.

به اعتقاد ما این طرح برنامه بهترین زمینه را برای برخورد فعال درون و بیرون سازمانی با مسائل جنبش بوجود می‌آورد و نه تنها باعث انسجام هرچه بیشتر درون سازمان گشته و رابطه ما را با هواداران مستحکم‌تر می‌نماید، بلکه به طور کلی این برنامه به منزله پرچمی است که وحدت تمام نیروهای معتقد به تئوری مبارزه مسلحانه که در یک سال و نیم گذشته دچار پراکندگی گشته‌اند را تأمین می‌کند. مبارزه ایدئولوژیک پرولتری در رابطه با این برنامه جهت مشخص و انقلابی خود را می‌یابد و به کسانی که سعی دارند مبارزه ایدئولوژیک را از حوزه مسائل مشخص و زنده جنبش بیرون کشیده و آن را در حوزه مسائل کلی و بی‌ربط به مسائل و مشکلات عملی جنبش محصور سازند، اجازه چنین برخوردی را نمی‌دهد. اما اگر ارائه این برنامه تمام محاسن بالا را دارد، این موضوع را هم باید تذکر داد که موفقیت در کار انقلابی منوط به برخورد فعال و جدی همه رفقا است. نباید فکر کرد که وظیفه ما با ارائه این برنامه خود به خود پایان پذیرفته است، بلکه کار مشکل پس از این آغاز خواهد شد. براساس این برنامه نه تنها باید دست به مبارزه ایدئولوژیک وسیع در سطح جنبش کمونیستی بزنیم و از این طریق ایده‌های خود را تبلیغ نمائیم، بلکه اساساً باید با شرکت در پراتیک مبارزاتی ایده‌های خود را مادی سازیم. بدون تلفیق تئوری با عمل و بدون آن که قادر باشیم برنامه حاضر را در شرایط مشخص جامعه خویش پیاده نمائیم، سازمان هرگز راه به جایی نخواهد بُرد. در حالی که باید در هرجا و در هر زمان با مسائل واقعی جنبش برخورد داشته باشیم، تئوری انقلابی را از طرح‌های کلی به موضوعات مشخص و عملی تبدیل نمائیم و با سپردن ایده‌های خود به محک پراتیک آن‌ها صیقل بخشیم.

در خاتمه باید به این مسئله اشاره کنیم که در این طرح برنامه بعکس جریانات کمونیستی دیگر ما به بررسی قوانین حاکم بر جامعه سرمایه‌داری نپرداخته‌ایم چرا که معتقدیم وقتی که سازمان‌های کمونیستی به عنوان اجزائی از نهضت طبقه کارگر، ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم را می‌پذیرند دیگر نیازی به اعلام قوانین حاکم بر جامعه سرمایه‌داری وجود ندارد. این وظیفه «مانیفست حزب کمونیست» بود که نابودی آنی و احترازان‌پذیر مالکیت کنونی بورژوازی را اعلام کند و اجتناب ناپذیری پیروزی سوسیالیسم را نشان دهد. آنچه که برای نیروهای کمونیست در شرایط کنونی جامعه ما اهمیت دارد اعلام ویژگی‌های نظام اقتصادی-اجتماعی حاکم بر کشور ما یعنی سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است تا براساس آن بتوان راه رهایی توده‌های تحت ستم میهنمان را از قید سلطه امپریالیسم اعلام کرد.

و از طرف دیگر ما در این طرح برنامه برعکس جریانات اپورتونیستی که زیر پرچم لنینیسم برعلیه لنینیسم حرکت می‌کنند، سعی کردیم که اساساً به رهنمود لنین در مورد برنامه وفادار باشیم و کوشیدیم تصویر روشنی از هدف نهائی و شناخت صحیحی از راه رسیدن به آن هدف و مفهوم دقیقی از شرایط واقعی آن نقطه و وظایف فوری جنبش ارائه دهیم. پرداختن به جزئی‌ترین مسائل جامعه آینده از قبیل این که در دولت آینده، دهات نیز دارای ارتباط تلفنی خواهند بود مسئله‌ای از مشکلات جنبش را حل نمی‌کند. آنچه برای انقلاب ضدامپریالیستی خلق ما حیاتی است شناساندن امپریالیسم به عنوان دشمن اصلی همه خلق‌های جهان و چگونگی قطع سلطه امپریالیستی از میهنمان می‌باشد. آنچه برای انقلاب اهمیت دارد،



مشخص کردن شکل اصلی مبارزه و سازمان متناسب با آن برای نابودی امپریالیسم است و در این رابطه باید تاکتیک‌های مبارزاتی را در جهت حلّ مسائل جنبش در هر مقطع مشخص ساخت. ولی برای کسانی که تاکنون به اصطلاح برنامه‌ای برای جنبش ارائه داده‌اند، گویا این مسائل مطرح نبوده است. تا آن جا که از نوشتجات آنان برمی‌آید، از نظر آنها برنامه آن چیز است که ایده آل‌هائی را در مقابل توده‌ها تصویر می‌کند تا توده‌ها به شوق دستیابی به آن بپاخیزند و گویا هر سازمانی تصویری ایده‌آل‌تر عرضه نماید توده‌ها بیشتر به طرف آن سازمان جلب می‌شوند. به خصوص آنچه در این برنامه‌ها جلب نظر می‌کند عدم مشخص کردن راه رسیدن به هدف می‌باشد. آنهائی که به این امر حیاتی بی‌توجه باشند و به شیوه‌ای علمی در جهت شناخت آن گام برندارند بدون شک برنامه‌هایشان نیز هیچ مشکلی از مشکلات جنبش را برطرف نخواهد نمود.

اما در مورد طرح برنامه‌ای که ما ارائه داده‌ایم، باید گفت که این طرح برنامه زمانی می‌تواند برنامه‌ای کامل و جامع شود که در پرتو برخوردهای فعال همه رفقا به محوری برای مبارزه ایدئولوژیک فعال پرولتری تبدیل گردد.

## طرح برنامه

۱. کشور ما تحت سلطه امپریالیسم قرار دارد.
۲. نظام اقتصادی-اجتماعی حاکم بر کشور سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است.
۳. این نظام، ایران را به جزئی ارگانیک از نظام امپریالیستی جهانی تبدیل کرده است.
۴. در نتیجه، اقتصاد ملی اساساً در هم شکسته شده و تمام طبقات و اقشار خلق، تحت استثمار و ستم مستقیم سرمایه و سلطه امپریالیستی قرار گرفته‌اند.
۵. سرمایه وابسته به امپریالیسم تمام منابع ملی را غارت کرده و بی‌رحمانه به استثمار کارگران و غارت دسترنج دهقانان و خرده بورژوازی شهر و روستا می‌پردازد.
۶. بورژوازی ملی به طور کلی نابود شده و بورژوازی وابسته مستقیماً با هدایت و به نمایندگی امپریالیسم در سیاست و اقتصاد حاکم است.
۷. صدور نفت به بازارهای امپریالیستی نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات اقتصاد وابسته این کشور پیدا کرده است.
۸. تجمع درآمد حاصل از فروش نفت در دست دولت، نقش بویژه برجسته‌ای به دولت در حیات اقتصادی کشور داده و بوروکراسی دولتی را بیش از پیش بر زندگی مردم مسلط کرده است.
۹. عامل بقای این وابستگی اساساً سرکوب قهرآمیز است.
۱۰. در نتیجه، شکل دولت در کشور ما، مادام که سلطه امپریالیستی باقی است، شکل عریان و خشن دیکتاتوری است.
۱۱. تکیه اساسی این دیکتاتوری بر ارتش امپریالیستی است که توسط امپریالیسم، مسلح و سازماندهی شده است.
۱۲. ولی این امر مانع از آن نیست که امپریالیسم و نیروهای وابسته به وی برای سرکوب جنبش‌های مردم دستجات مسلح دیگری مستقل از دولت بوجود نیاورند.

۱۳. تضادّ اصلی جامعه‌ ما تضادّ خلق و امپریالیسم است.
۱۴. در مقابل ستم و استثمار و سرکوب امپریالیستی، کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهر و روستا ایستادگی می‌کنند.
۱۵. طبیعت همین کشمکش بین خلق و امپریالیسم تمام وظایف مرحله‌ای انقلاب را مشخص می‌کند.
۱۶. سلطه امپریالیستی بسط هرگونه مبارزه سیاسی- اقتصادی را منوط بوجود و گسترش مبارزه مسلحانه کرده است.
۱۷. لذا نه تنها حلّ نهائی تضادّ خلق با امپریالیسم بلکه هرگونه مبارزه و در هر سطح علیه سلطه امپریالیستی به شکل قهرآمیز این مبارزه بستگی پیدا می‌کند.
۱۸. شکل اصلی و محوری مبارزه در مرحله کنونی یعنی شیوه اصلی حلّ تضادّ خلق با امپریالیسم جنگ توده‌ای طولانی است که در طی آن نیروهای خلق بتدریج به میدان مبارزه آمده با تشکیل ارتش خلق، ارتش بومی امپریالیسم و نیروهائی را که احیانا از خارج به کمک وی گسیل خواهد شد، در هم می‌شکنند.
۱۹. حدت تضادّ خلق با امپریالیسم و تحرک انقلابی توده‌های شهری، قیام‌های شهری را در این جا و آن جا باعث می‌شود ولی این قیام‌ها به تنهایی برای سرنگونی سلطه امپریالیستی کافی نیست و بهره برداری و سازماندهی صحیح آنها در جهت مبارزه مسلحانه توده‌ای طولانی می‌تواند جریان این مبارزه را تسریع بخشد.
۲۰. در مبارزه خلق با امپریالیسم تمام طبقات خلق شرکت دارند ولی پیروزی انقلاب دموکراتیک- ضدامپریالیستی به تأمین هژمونی پرولتاریا بستگی دارد.
۲۱. تأمین هژمونی پرولتاریا در انقلاب مستلزم وجود ستاد رزمنده طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست است.
۲۲. این حزب در جریان اوج گیری مبارزه مسلحانه و در جریان پیوند یافتن این مبارزه و سازمان‌های درگیر این مبارزه با طبقه کارگر و بسط و گسترش متقابل مبارزات طبقه کارگر بوجود می‌آید.
۲۳. پایگاه طبقاتی دولتی که پس از پیروزی مرحله کنونی انقلاب بوجود خواهد آمد، نتیجتاً همان طبقاتی خواهند بود که در انقلاب ضدامپریالیستی کنونی شرکت دارند: کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهر و روستا و طبیعتاً طبقه کارگر در این دولت هژمونی خواهد داشت یعنی دموکراسی نوین برپا می‌شود.
۲۴. این دولت، با توجه به شرایط مشخصی که در طی آن به قدرت می‌رسد، برای بازسازی اقتصاد ملی و از بین بردن آثار وابستگی امپریالیستی و سرکوب نیروهای ضدانقلابی و مهیا کردن زمینه گذار

به سوسیالیسم برنامه ریزی میکند و تمام اقتصاد جامعه را تحت هدایت خود می‌گیرد. هژمونی پرولتاریا در این دولت ضامن جهت‌گیری سوسیالیستی این نظام دموکراتیک نوین است.

## در مورد شرایط کنونی

۱. رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی است وابسته به امپریالیسم که با فریبکاری و با تکیه بر خشن‌ترین سرکوب‌ها به سرکوب جنبش ضدامپریالیستی خلق ما مشغول است. عناصر تشکیل دهنده این دولت در عمل نشان داده‌اند که سگهای زنجیری‌ای هستند که برای خدمت به اربابان امپریالیست خود از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. این دولت به عنوان اجرای جزئی از سیاست کلی امپریالیسم در منطقه، کشور ما را به عرصه جنگ ویرانگر با عراق تبدیل کرده است. در حال حاضر مبارزه ضدامپریالیستی اساساً به صورت مبارزه برعلیه این رژیم که تمام ارگان‌های سرکوب امپریالیستی را در اختیار دارد، صورت می‌گیرد.

۲. ولی طبیعت وابستگی این رژیم و جریان جوشان انقلاب وضعیت را بوجود آورده که هرآن امپریالیسم ممکن است برای تغییر آرایش نیروهای خود، این رژیم را با رژیم دیگری جایگزین کند. ولی این تغییر رژیم نمی‌تواند در ماهیت مبارزه خلق برعلیه امپریالیسم تغییری ایجاد کند، گرچه مبارزه خلق از لحاظ تاکتیکی باید آن را به حساب آورد و موضع مناسب در قبال آن اتخاذ کند.

۳. در حال حاضر در سراسر کشور مبارزه مسلحانه نسبتاً وسیعی برعلیه رژیم وابسته جمهوری اسلامی در جریان است. شرکت فعالانه نیروهای پرولتری در جریان این مبارزه مسلحانه می‌تواند نواقص تاکتیکی و استراتژیک این مبارزه را که در حال حاضر به علت سلطه نیروهای غیرپرولتری بدان دچار است، مرتفع کند.

۴. علاوه بر مبارزه مسلحانه، خلق ما در سراسر کشور به اشکال گوناگون در مقابل این رژیم وابسته به امپریالیسم دلیرانه مقاومت می‌کند.

۵. مبارزه خلق، بحران عمومی را که در اثر بن بست اقتصادی موجود دامنگیر حاکمیت امپریالیستی شده تشدید کرده، تضادهای موجود میان قشرها و عناصر وابسته به امپریالیسم را شدت بخشیده، آنها را به درگیری قهرآمیز با یکدیگر کشانده است. جنبش خلق ما باید بتواند از این تضادها در جهت گسترش هرچه بیشتر خود استفاده کند ولی در عین حال امروز ما انعکاس این تضادها را در درون صف خلق احساس می‌کنیم و می‌بینیم که جریانات وابسته سعی می‌کنند از جنبش خلق برای تسویه حساب با سایر جریانات وابسته در رژیم کنونی استفاده نمایند. مقابله با چنین

موقعیتی برخوردار نظری و عملی بسیار هوشیارانه‌ای را از جانب نیروهای پرولتری ایجاد می‌کند، به طوری که بتوان ضمن راندن این جریانات وابسته و جدا کردن آنها از نیروهای خلقی، صف خلق را بیش از پیش تحکیم نمود.

## وظایف ما

بر اساس آنچه تا اینجا آمده ما چریکهای فدائی خلق در شرایط کنونی وظایف و مواضع خود را به این شرح اعلام می‌کنیم:

سازماندهی و انجام مبارزه مسلحانه به عنوان وظیفه عمده و اصلی ما در این مرحله می‌باشد و در مقطع کنونی اساساً این مبارزه را از طریق تشکیل دسته‌های پارتیزانی متحرک در روستا و هسته‌های سیاسی- نظامی در شهرها و شرکت در جنگ مقاومت خلق گرد پیش می‌بریم. در کار سازماندهی و انجام مبارزه مسلحانه به نکات زیر توجه داریم:

۱. بی‌ثباتی سیاسی رژیم ایجاب می‌کند که ما چه از لحاظ سازماندهی و چه از لحاظ عملیات شدیداً در تاکتیک انعطاف پذیر باشیم و هر آن آماده باشیم که با تحوّل اوضاع سیاسی، تاکتیک‌های خود را متحول سازیم.

۲. سازماندهی ما باید این امر را به حساب آورد که امروز مبارزه در سطحی توده‌ای جریان دارد و نیروهای بسیاری را می‌توان برای مبارزه مسلحانه بسیج کرد که لزوماً کمونیست نیستند و به همین دلیل نمی‌توانند مستقیماً به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ملحق شوند، ما باید چه در شهرها و چه در روستاها اشکال سازمانی لازم را برای تسلیح و تشکّل این نیروها و عناصر غیرکمونیست بوجود آوریم و شیوه صحیح برخورد با آنها را بیاموزیم.

۳. در شرایط شدت تضادها و بی‌ثباتی وضعیت سیاسی رژیم و بحران اقتصادی، هر آن احتمال قیام‌های توده‌ای می‌رود. ما باید ضمن پیشبرد مبارزه مسلحانه توده‌ای از این موقعیت‌ها به خوبی استفاده کنیم و اساساً به نظر ما شرط آن که ما بتوانیم به موقع در این قیام‌ها نقش انقلابی و بسیج‌کننده خود را بازی کنیم آن است که از پیش در پرتو مبارزه مسلحانه خویش، سازماندهی مناسب را صورت داده باشیم.

۴. ما به خوبی به این امر واقفیم که مبارزه مسلحانه صرفاً توسط ما و حتی صرفاً توسط نیروهای کمونیست صورت نمی‌گیرد. امروز بخش بزرگی از مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم توسط نیروهای غیرکمونیست انجام می‌پذیرد. ما ضمن استقبال از مبارزه این نیروها درصدد یافتن شیوه‌های اتحاد عمل و تأثیرگذاری متقابل جهت عمق و وسعت بخشیدن به مبارزه کل خلق هستیم.

۵. برای نیل به این هدف، ما شعار «پیش به سوی تشکیل ارتش خلق» را مطرح می‌کنیم و با اذعان به این که فعلا و بلافاصله شرایط تحقق این شعار فراهم نیست از طرح آن برای توضیح لزوم تشریح مساعی تمام نیروها در زمینه عمل، لزوم داشتن دیدی طولانی از مبارزه و لزوم درهم شکستن ارتش امپریالیستی و جایگزین کردن آن با ارتش خلق استفاده می‌کنیم. در زمینه سیاسی با خواست تشکیل جبهه واحد ضدامپریالیستی، ما تحقق این شعار را تسریع می‌کنیم.

۶. شعار «پیش به سوی سازماندهی مسلح توده‌ها» آن زمینه سازمانی و مبارزاتی را مشخص می‌کند که براساس آن انعطاف پذیری لازم در اتخاذ تاکتیک‌های گوناگون سازماندهی در این مرحله برای ما تأمین می‌شود.

۷. تشخیص مبارزه مسلحانه به عنوان شکل اصلی مبارزه به هیچ وجه ما را از انجام وظایفی که در قبال تشکّل و رهبری سایر اشکال مبارزاتی خلق به عهده داریم، غافل نمی‌کند. ما با این اصل که هیچ یک از عرصه‌های حیات سیاسی و اجتماعی خلق خارج از حیطه وظایف ما قرار ندارد، حرکت می‌کنیم. در عین حال همواره در نظر داریم که هدف از شرکت ما در مبارزات خلق نه دنباله روی از آنها، بلکه تشکّل و ارتقاء سطح آنها و بسیج کردن آنها در جهت تقویت جریان کلی مبارزه ضدامپریالیستی می‌باشد.



## جنبش طبقه کارگر

۱. در قبال طبقه کارگر، ما به عنوان یک سازمان کمونیست خود را جزئی از نهضت این طبقه می‌دانیم و اساساً استراتژی و تاکتیک مبارزه را با توجه به منافع این طبقه تنظیم می‌کنیم.
۲. براساس این اعتقاد که مبارزه ضدامپریالیستی جز با هژمونی طبقه کارگر بر جنبش به نتیجه نخواهد رسید، وظیفه تشکیلاتی و مبارزاتی ویژه‌ای برای خود در قبال این طبقه می‌شناسیم و این وظایف با رشد مبارزه مسلحانه روزبه‌روز گسترش و دامنه بیشتری می‌یابد.
۳. ما ضمن تبلیغ هدف‌های درازمدت مبارزه ضدامپریالیستی و سعی در تشکل سیاسی و نظامی پرولتاریا، به هیچ وجه زندگی اقتصادی و خواست‌های روزمره او را نادیده نمی‌گیریم. ما سعی می‌کنیم حتی در این زمینه نیز مبارزات پرولتاریا را سازماندهی و رهبری کنیم، ما باید اشکال سازماندهی مناسب با این وظایف را بوجود آوریم.

## جنبش دهقانی

۱. در قبال دهقانان، ما با قبول آن که به خصوص پس از اصلاحات ارضی روستاهای ایران عرصه استثمار سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم شده‌اند و سرمایه‌های امپریالیستی به انحاء گوناگون به غارت روستائیان ما مشغولند، خواست‌های آنها را و در مرکز آنها خواست زمین را دموکراتیک و مترقی دانسته و از آنها قویاً حمایت کرده، مبارزات توده‌های دهقانی را در این زمینه متشکل و رهبری می‌کنیم.

۲. مخصوصاً با توجه به شکل اصلی مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه توده‌ای طولانی، مناطق روستائی کشور ما عرصه اصلی نبرد با ارتش امپریالیستی را تشکیل می‌دهد و این مبارزه در رابطه با جنبش دهقانی امکان بسط و گسترش دارد. در عین حال همواره همچنان که امروز در گُردستان شاهد آن هستیم امکان آزاد شدن بخشی از مناطق روستائی موجود است. ما در این مناطق بلافاصله روابط و مناسبات دموکراتیک نوین را برقرار کرده، مسئله ارضی را به عنوان مسئله اصلی این مناطق آزاد شده بنا بر خواست آزاد دهقانان حلّ می‌کنیم. ما در عین حال با توجه به تنوع شکل بندی‌های تولیدی در روستاها معتقدیم که شعار «زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند» را باید با انعطاف پذیری لازم و با توجه به شرایط عینی محل و نظر شوراهای دموکراتیک دهقانان به مرحله اجرا درآوریم، در حالی که شعار «لغو هرگونه باج دولتی» را برای دهقانان مطرح می‌کنیم.

## جنبش خلق گُرد

۱. جنبش خلق گُرد در سه سال اخیر کانون اصلی انقلاب ایران بوده است و امروز با برقراری اختناق سیاه در سایر بخش‌های ایران، گُردستان برای انقلاب ما اهمیتی دوچندان پیدا کرده است. مبارزه مسلحانه در گُردستان توده‌ای شده است و می‌توان در گُردستان از مناطق آزادشده صحبت کرد. شرکت روشنفکران غیر گُرد در مبارزات خلق گُرد و حمایت خلق گُرد از مبارزات سایر نیروهای دموکراتیک در سایر بخش‌های ایران عناصر ناسیونالیستی و تنگ نظرانه این نهضت را به کلی منزوی کرده و جنبش خلق گُرد امروز به حق بخشی بزرگ از جنبش دموکراتیک خلق ما را تشکیل می‌دهد.

۲. ما با تکیه به اصل حق تعیین سرنوشت ملل، برای گُردستان در چارچوبه ایران خواهان خودمختاری هستیم ولی در عین حال معتقدیم که این خودمختاری بدون تحقق جمهوری دموکراتیک نوین و قطع سلطه امپریالیستی به معنای واقعی کلمه قابل تحقق نیست.

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

آذر ماه ۱۳۶۱